

#### خبر

جشن تولد محمود دولت آبادی با حضور اهالی هنر برگزار شد

### شمس لنگرودی: متشکرم که به دنیا آمدم

**پخش فرهنگی** – شمس لنگرودی خطاب به محمود دولت‌آبادی گفت: متشکرم که به دنیا آمدم و خوشحالم از این‌که خیلی گرفتاری کشیدید. هنر زاده رنج نیست اما برادرزاده رنج است و این رنج بود که باعث شد شما دولت‌آبادی شوید.

به گزارش ایسا، عصر سه‌شنبه ۱۰ مردادماه، جشن تولدی به مناسبت هفتادوهفت‌سالگی محمود دولت‌آبادی در کافه «نزدیکِ کتاب» به میزبانی پسرش فرهاد دولت‌آبادی برگزار شد.

این مراسم با حضور افرادی همچون حسین علیزاده، سیدعلی صالحی، لوریس چکناوریان، رضا کیانیان، شمس لنگرودی، حافظ موسوی، حسین سیناپور، بهرام دبیری، کیاوش صاحب‌نسق، حمیدرضا صدر، جعفر پناهی، جواد مجابی، محمدرضا خاکی، هوشنگ قانولو، منیرالدین بیروتی، علی مله اسکندری، گلاره عباسی، حسن کیانیان، داوود موسایی، محمود معتقدی، عبدالله سالم، دکتر صدقات‌پور، دکتر رافت، پرفسور صبوری و همچنین مخاطبان و علاقه‌مندان این نویسنده پیشکسوت همراه بود.

محمود دولت‌آبادی در این مراسم گفت: درباره نوشتن، خواندن و یادگیری به شما اطمینان می‌دهم هر کاری توانسته‌ام، کرده‌ام. چیزی که باعث جمع‌شدن شما در این‌جا شده است من نبودم بلکه من بهانه حضور شما در این جمع بودم. این‌که بتوان این تمداد را در مکان محدود یک‌جا جمع کرد، کار مشکلی است. البته اگر پیشنهاد می‌کردیم سالی در اختیار ما قرار دهند، این کار انجام می‌شد، زیرا این امکان را به بچه‌های ادبیات داده‌اند که دور هم جمع شوند.

این نویسنده با اشاره به افتتاح تئاترهای جدید، افزود: ما خواهان گشادگی، مالیت و روند منطقی در زندگی اجتماعی خود هستیم. رنج‌ها را با آرزوی یک زندگی درست، با مدارا و انسانی تحمل کردیم و همچنان آرزومندیم. او همچنین گفت: آرزو دارم در جامعه‌ای زندگی اامه پیدا کند که مردم علیه خود نباشند. مردم این امکان را داشته باشند که یکدیگر را دوست بدارند. متأسفانه جامعه ما دشمن‌خو شده است و افراد نسبت به یکدیگر سوءظن دارند که این از شرایط خوبی خیر نمی‌دهد. من آرزو می‌کنم به سمت نوعی از زندگی حرکت کنیم که جوانان بیشتر رفاقت داشته باشند تا سوءظن. بیشتر دوستانگی حضور داشته باشد تا دشمنی. دلیلی برای دشمنی وجود ندارد.

دولت‌آبادی در ادامه افزود: یکی از شانس‌هایی که خانواده به من داده این است که می‌توانم همه آدم‌ها را سر جای خود دوست بدارم. یکی از رمزهای آفرینش این است که انسان‌ها بتوانند یکدیگر را دوست بدارند و به یکدیگر احترام بگذارند.

او در پایان سخنانش از مدیا کاشیگر، نویسنده، مترجم و فعال فرهنگی، که به تازگی از دنیا رفته است، یاد کرد.

همچنین یارتا یاران که اجرای مراسم را برعهده داشت در سخنانی گفت: محمود دولت‌آبادی در زندگی همه ما حضور داشته که این نشان‌دهنده اهمیت ادبیات است. در بین تمام حرفه‌های هنری، نوشتن مصومانه‌ترین و سخت‌ترین کار هنری است. در اصل نوشتن مصیبتی است برای خود. محمود دولت‌آبادی از رنج کشیده‌ترین هنرمندان ایران است.

او با بیان این‌که نوشته‌های محمود دولت‌آبادی قلمرو بسیار وسیعی از ایران را در برابر ما می‌گذارد، گفت: ما به خاطر این‌که محمود دولت‌آبادی این قلمرو را در برابر ما قرار داده مدیون او هستیم زیرا اگر هزار سال هم زندگی کنیم قادر به کشف و دیدن آن نیستیم. محمود دولت‌آبادی هرگز قلم خود را بر زمین نگذاشت، اگر هم می‌گذاشت چیزی از او کم نمی‌شد. در ادامه مراسم، شمس لنگرودی با بیان این‌که محمود دولت‌آبادی را دوست دارم، دلایل دوست‌داشتن خود را این‌گونه بیان کرد: تاریخ بشر با مرگ و شد شروع شده است. از آن زمان که قابیل برادر خود را کشت تاریخ شروع می‌شود تا رسید به داعش. سیاستمداران در طول تاریخ مدیریت مرگ کردند و هنرمندان مدیریت زندگی. اگر از اول مشروطه تاکنون حساب کنید خیلی از سیاستمداران امد و رفته‌اند؛ البته احترام بسیاری از آن‌ها واجب است، اما کسانی که مدیریت زندگی کردند و هنرآفرینی داشتند به اندازه انگشتان دست نیستند.

این شاعر سپس خطاب به دولت‌آبادی گفت: من به این دلیل روشن شما را دوست دارم که مدیریت زندگی کردید.

شمس لنگرودی در ادامه با بیان این‌که در هر دوره‌ای چیزی مد بوده است، گفت: در دوره ما مارکس مد بود و همه ما مارکسیست بودیم، البته نه همه. ما برخی واژه‌ها بود که باید آن‌ها را می‌فهمیدیم. یکی از آن واژه‌ها دیالکتیک بود. دیالکتیک را من هرچقدر می‌خواندم نمی‌فهمیدم. با خواندن داستان‌های شما بود که فهمیدم دیالکتیک یعنی چه. آقای دولت‌آبادی من به شما افتخار می‌کنم. به قول نیچه یا هر کس دیگری که این جمله را گفته است: «اگر هنرمند نبود واقعیت ما را خفه می‌کرد».

او در ادامه سخنان خود خطاب به محمود دولت‌آبادی گفت: متشکرم که به دنیا آمدم و خوشحالم از این‌که خیلی گرفتاری کشیدید. هنر زاده رنج نیست اما برادرزاده رنج است و این رنج بود که باعث شد شما دولت‌آبادی شوید. من به شما علاقه زیادی دارم زیرا زندگی را به ما آموختید و تحمل مشکلات را برای‌مان آسان کردید.

سپس جواد مجابی گفت: دولت‌آبادی محبوب خاص و عام است. معمولا ادبیات کلامی به خاص و گاهی به عام روز دارد ولی کسانی هستند که هر این‌ها را دارند. محمود دولت‌آبادی این را بهت داشت در عین حال که خوانان ادبی این مملکت کارهای او را شنیدند و دوست داشتند عامه مردم نیز کارهای او را دوست داشتند. شاید بتوان گفت این دهه، دهه دولت‌آبادی بود.

این شاعر شمری را که ۱۶ سال پیش سروده بود برای تولد محمود دولت‌آبادی خواند.

همچنین حسین سناپور با اشاره به بیانیه هشت‌ماده‌ای داستان‌نویسان در حمایت از حسن روحانی در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری که یک بند متخص محمود دولت‌آبادی و کتاب‌های در محتای‌مانده او داشت، گفت: زمانی که یکی از داستان‌نویسان این بیانیه را دید گفت چند بند این بیانیه به صورت کلی مد و مطالبه همه ما را در بر می‌گیرد. شاید لازم نباشد که یک بند در مورد دولت‌آبادی باشد و توضیحی که به من دادم این بود که دولت‌آبادی برای ما یک شخص نیست؛ او بیشتر از یک فرد است. او برای ما حکم پرچم و نماینده روح جمعی داستان‌نویسان حاضر است.

این نویسنده افزود: دولت‌آبادی به این سادگی‌ها به این‌جا نرسیده است که من از او به عنوان روح جمعی داستان‌نویسان یاد کنم و من حاصل سال‌های سال نوشتن دولت‌آبادی بلکه نتیجه رفتارهای او در این همه سال بوده است. به نظر من دولت‌آبادی نمونه روح جمعی ایرانی است با نجابتی که دارد. می‌توانم به شخصه بگویم روح جمعی ما چیزی که در آن متبلور می‌شود نجابت است که این نجابت در محمود وجود دارد.

سناپور با بیان این‌که از کتاب «جای خالی سراج» در کلاس‌های داستان‌نویسی استفاده کرده است، گفت: در این کتاب از شخصیت‌های زیادی استفاده شده است که این نشان می‌دهد محمود دولت‌آبادی بسیار خوب شخصیت می‌سازد. به نظر زمانی یک نویسنده می‌تواند شخصیت بسازد که تمام آن آدم‌ها را درون خود داشته باشد و اگر نداشته باشد نمی‌تواند شخصیتی خلق کند. به نظر من دولت‌آبادی یکی از چند نویسنده‌ای است که بسیاری از آدم‌ها را در وجود خود داشته و آن‌ها را پرورانده و در داستان‌هایش به ما نشان داده است.

در داستان‌نویس در ادامه گفت: دولت‌آبادی نماینده بسیاری از مردم ما در داستان‌هایش است. ما روح جمعی بسیاری از آدم‌ها را اگر جمع کنیم چکیده‌اش می‌شود محمود دولت‌آبادی.

همچنین محمود معتقدی در ادامه مراسم شعری را با عنوان «کلیدر» خواند. در ادامه مراسم در محل «کتاب‌فروشی هنوز»، فیلمی از گفتگوی جدید دولت‌آبادی با ایسا برای حاضران پخش شد.

در پایان مراسم نیز علی‌اکبر شکارچی – کمانچه‌نواز پیشکسوت – آهنگ «تولد مبارک» را که در مایه دشتی ساخته است برای تولد دولت‌آبادی نواخت و در پایان، محمود دولت‌آبادی شمع‌هایی را که روی کیک تولدش با طرح جلد «کلیدر» بود، فوت کرد.

## {فر هنگ و هنر }

### گفت و گو با رخشان بنی‌اعتماد، فیلمساز:

# امید را به گونه دیگری می‌بینم

#### کامبیز حضرتی

رخشان بنی‌ اعتماد ضمن ارائه توضیحاتی درباره پروژه کارستان گفت: «من به شکل فردی فیلم‌هایی را با همین ایده ساختم، آن آرزوی بزرگ اتفاقی است که در شش فیلم برآورده شد».

«کارستان» سری فیلم‌های مستندی است که برنامه‌ریزی و تولید آن در بخش خصوصی از سال ۱۳۹۳ آغاز شده و در حال حاضر شش مستند از این مجموعه آماده نمایش است.

ایده ساخت مجموعه فیلم‌هایی درباره کارآفرینان ایران، سال‌ها پیش زمانی که رخشان بنی‌اعتماد توسط دوست قدیمی‌اش فیروزه صابر به بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان دعوت شد، متولد شد.

درباره این رویداد فرهنگی سینمایی، محمدرضا مقدسیان و یدالله نجفی کارستانی‌هایی که از بین ما رفتند و شیوه‌ها و مسائل مستندسازی در این پروژه با رخشان بنی‌ اعتماد و مجتبی میرتھماسب گفت وگو کردیم.

♦ **خانم بنی‌اعتماد شما در جاهای مختلف فیلمسازی را کنش و حرکت اجتماعی عنوان کرده‌اید. در کارنامه شما توفیقات زیادی در زمینه فیلمسازی و تاثیرگذاری اجتماعی وجود دارد. با این وجود اما از پروژه کارستان به عنوان یک آرزوی ۱۲ ساله یاد کردید. با وجود توفیقات فراوان شما در فیلم‌های متعدد و موفقیت در فیلمنامه‌نویسی چه آرزویی وجود داشت که ذهن شما را به خود مشغول کرده بود؟**

بنی‌ اعتماد: من به شکل فردی فیلم‌هایی با همین ایده ساختم.م مستندهای «حیاط‌خلوت خانه خورشید»، «ما نمی‌ از جمعیت ایرانیتم»، «اتاق ۲۰۲» اپیزودی از فیلم مستند که‌ریزک چهارنگاه و… تلاش‌های فردی من در این زمینه بوده است. آن آرزوی بزرگ اتفاقی است که در این شش فیلم افتاد. یعنی جمعی با دغدغه مشترک دور هم قرار بگیریم و در یک

تعریف حرف‌های بتوانیم ایده‌های مشترک‌مان را عملی کنیم. این اتفاق به همت مجتبی میرتھماسب انجام شد.

♦ **جالب است در پروژه‌ای با این ابعاد و مقیاس به جای آن که مدام حرف از بودجه زده شود، موضوع دغدغه مطرح می‌شود. چه می‌شود به جای پول و بودجه که اتفاقا بخشی از صنعت سینما و مشکل ساخت فیلم در سینمای ما است، در این پروژه به سمت زندگی و دغدغه‌های دیگر کوچ می‌کنیم ؟**

مجتبی میرتھماسب: بخشی از این مسئله مربوط به عادت سینما است و بین سینمای مستند و داستانی هم از این بابت تفاوتی وجود ندارد. عادت کرده‌ایم برای این‌که فیلمی بسازیم باید پولی داشته باشیم یا پولی پیدا کنیم تا تولید صورت بگیرد. این پول می‌تواند متعلق به دولت یا بخش خصوصی باشد. تسلط این نگاه تولیدی به دلیل معیوب تعریف کردن چرخه سینما است. به طور کلی صنعت سینما یعنی سرمایه‌گذاری، تولید و پخش. پخش یعنی جایی که این چرخه نهایی شده و اقتصاد سینما را کامل می‌کند. من هم‌چنان با سینماگران جوانی مواجه هستم که فکر فیلم‌هایی ساخته و در دایره محدودی اکران شده و نتوانسته با مخاطب ارتباط برقرار کند. من از آن جنس سینما نبودم و همیشه سعی کردم با مسئله برخورد دیگری داشته باشم.

اعتقاد من این است که فیلم‌سازی برای ما حاصل کنجکاوی‌های شخصی برای ورود به یک موضوع است. دوست داریم اگر در یک جا به نتیجه رسیدیم، آن را به دیگران هم منتقل کنیم. وقتی نگاه به سینما صرفاً تولیدی است، همه چیز در تولید و سود خلاصه می‌شود و از این منظر اولین راه‌حل پیدا کردن پول است. واقعا بعد از سال‌ها کارکردن در این شیوه‌ها و معطل ماندن برای پول برای من قابل فهم نیست. همیشه بحث من با فیلم‌سازان این است که اگر قرار است فیلمی را شروع کنید، آخرین مشکل این است که پول نذارید. راه‌حل‌های ساده‌تری هست. به شرایط این‌که بدانیم فیلمی که می‌سازیم قرار است به چرخه پخش ببریم و اقتصادمان را کامل کنیم. وقتی این تعریف وجود داشته باشد، طراحی کردن و به نتیجه رساندن آن پروژه ساده می‌شود. در سینما معمول این است که وقتی تولید یک فیلم به پایان می‌رسد، برای کارگردان و حتی تهیه‌کننده نقطه پایان تلقی می‌شود. اما من و خانم بنی‌اعتماد بعد از سه سال و نیم و به سرانجام رساندن پروسه تولید، الان خودمان را در ابتدای ماجرا می‌بینیم و مسئله پخش برای ما آغاز کارستان است. تمام تلاش ما و تیم اصلی کارستان از نزدیک دو ماه پیش مسئله پخش است.

♦ **درباره موضوع پخش کارستان بیشتر توضیح دهید. منظور از پخش در داخل است یا شامل پخش بین‌الملل هم می‌شود؟**

میرتھماسب: هم داخل و خارج از ایران. به دلیل اهمیتی که موضوع پخش کارستان برای‌مان داشت، بخش بین‌الملل هم راه‌اندازی کرده‌ایم. این کار هم ادامه تجربه‌های تجمیع شده ما است که هر کدام‌مان به‌طور پراکنده تجربه کرده بودیم. همان‌طور که می‌دانید سینمای مستند در حوزه پخش بین‌الملل همیشه دچار کمبود است. چرا که ما در ایران چند پخش‌کننده حرفه‌ای قابل اعتماد بیشتر نداریم. این چند نفر هم طرف تقاضای تمام سینما هستند و طبیعی است که از سینمای مستند و داستانی افراد زیادی به سمت آن‌ها می‌روند و آن‌ها نیز به ناگزیر فیلم‌ها را در چرخه مرسوم پخش می‌اندازند که قدم اولش حضور در جشنواره‌ها است و تلاش‌هایی از این دست. این پروژه آن قدر برای ما اهمیت داشت که به فکر بیفتیم حتماً روی این بخش نظارت و سرپرستی دقیقی داشته باشیم.

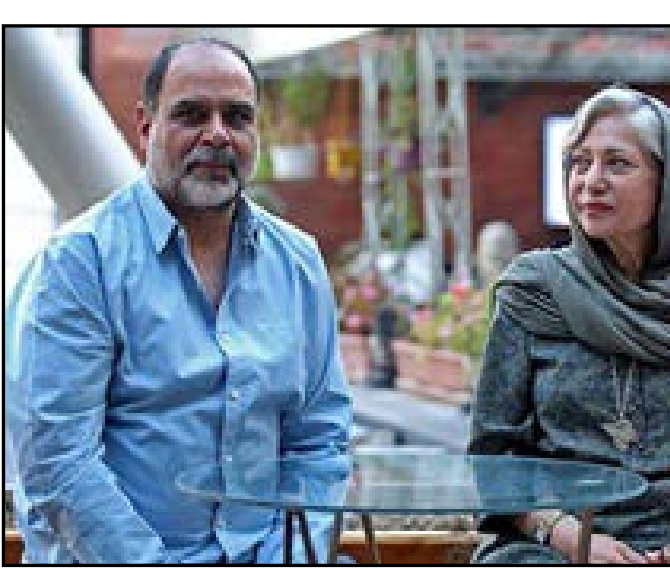
ما صرفاً به خوشحالی از فیلم‌های خوبی که ساخته‌ایم اکتفا نکردیم و در واقع مقصد نهایی ما تنها حضور در جشنواره و جایزه گرفتن نبود. شاید حضور در جشنواره‌ها آخرین دلیل راه‌اندازی بخش بین‌الملل برای ما باشد. ما برای دیده شدن کارستان در دنیا مخاطب‌شناسی کرده‌ایم. مشابه همان کاری که در ایران انجام دادیم را برای مخاطب جهانی هم ترتیب دادیم و بر اساس موضوع، شخصیت‌ها و کلیت فیلم‌ها، دیتاهای تخصصی را پیدا و پیاده کردیم و الان می‌دانیم مخاطبان ما در جهان دقیقاً کج‌جاها هستند و برای این تماشاگران برنامه‌ریزی داریم. به عنوان مثال یکی دو ماه پس از پایان تولید بود که مستند «شاعران زندگی» با همین هدف به مهم‌ترین جشنواره آسیایی فیلم‌های محیط‌زیستی رفت و جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره ستول را گرفت. ما با هدفگذاری‌های خودمان سراغ پخش فیلم رفتیم و فکر می‌کنم با همین دلایل به نتیجه مطلوب خواهیم رسید. کما اینکه از مارچ ۲۰۱۸ تور اکران شش فیلم کارستان را با دانشگاه برکلی در امریکا شروع می‌کنیم و سعی داریم در تمام دانشگاه‌های معتبر امریکا، کانادا و بعد کم‌کم اروپا این مجموعه را به نمایش در آوریم. هدف‌گذاری فیلم برای جشنواره‌ها یک مسئله است و ایده پخش گسترده و رساندنش به مخاطب حتی در عرصه بین‌الملل مسئله‌ای دیگر. این تصمیمات جزو طراحی اولیه ما بود و البته برای داخل نیز همین نگاه را داشتیم.

♦ **نگاه شما به کارستان یک نگاه پکیجی است یا این‌که هر اثر به طور**



#### مستقل مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد؟

میرتھماسب: به نظر من این موضوع در شکل عرضه تعریف می‌شود. مثلاً ما در بخش جشنواره‌های بین‌الملل این ویژگی را حذف کردیم و مشخصاً گفتیم شش فیلم مستند و قابل عرضه ساخته‌ایم و مثلاً اگر قرار باشد فیلم‌ها به تلویزیون‌ها فروخته شود شش فیلم مستقل محسوب می‌شوند. اما وقتی صحبت از نمایش فیلم در دانشگاه‌ها می‌شود آن‌ها خودشان متقاضی نمایش این مجموعه در کنار هم هستند. برای این‌که با دیده شدن این شش فیلم در کنار هم است که می‌توانند تصویر کامل‌تری از فضای کار در ایران ببینند. در داخل هم وضع به همین منوال است. کارستان یک کانسپت است که درون آن فیلم‌هایی با شاخصه‌های مختص



به خود و منفرد قرار گرفته که در جاهایی به هم وصل می‌شوند و جاهایی مستقل از هم عمل می‌کنند.

رخشان بنی‌ اعتماد: تاکید می‌کنم تعریف مجموعه‌ای در بخش پخش و جاهایی که خودشان چنین درخواستی دارند معنا می‌دهد وگرنه تمام این فیلم‌ها شخصیت و ساختار کاملاً جداگانه‌ای دارند و مطلقاً شکل سریالی در آن‌ها وجود ندارد. موضوع کار و ارزش آفرینی کاراکترها تنها وجه اشتراک آن‌ها با یکدیگر است.

♦ **شما در حوزه فیلم‌سازی شناخته شده و فعال هستید. آیا انتظار**

**ساختن فیلمی توسط شما در فازهای بعدی وجود دارد؟**

میرتھماسب: فکر می‌کنم تمایل من و خانم بنی‌اعتماد در همین سمت‌هایی است که اختیار کردیم و البته لذت آن بیش از ساخت یک فیلم توسط خودمان بود. ما شاید به اندازه ساخت شش فیلم درگیر بودیم و لذت بردیم. خود پروژه ال‌گویی برای ما شده بود که باید کاری کرد، کارستان. از نظر من کارستان صرفاً یک پروژه سینمایی و یا یک رسالت مسئولانه اجتماعی نیست، بلکه یک راه‌حل برای سینمای ایران است و پیشنهادی جدی برای ورود سینمای مستند ایران به عرصه حرفه‌ای شدن را مطرح می‌کند.

♦ **منظور از این پیشنهاد از لحاظ بودجه است یا طراحی؟**

میرتھماسب: تمام آن چیزی که از ایده تا انتهای پخش وجود دارد. ما برای کارستان سند پخش نوشتیم. زمانی که شروع به کار کردیم به این موضع توجه داشتیم. بعد راه‌حل‌های موجود نمایش یک فیلم مستند در سینمای ایران را وسط گذاشتیم. اول موانع را نوشتیم. مثلاً هنروبتجربه یک راه‌حل موجود نمایش است اما ما مشکلات و موانع هنروبتجربه را شناختیم و با علم و اطلاع وارد عرصه پخش شدیم. اول سعی کردیم با این موانع مواجه شویم و دوم خواستیم ظرفیت‌های موجود را ارتقا دهیم. نکته مهم‌تر این بود که از روز اول ما به دنبال راه‌های نرفته بودیم و به این اعتبار تلاش می‌کردیم، چون قرار بود فیلم به میان مخاطبان رفته و تماشایر باید با آن ارتباط برقرار کند. یعنی همه چیز با هدف پخش انجام شد اعم از انتخاب موضوع و شخصیت، نوشتن فیلم‌نامه، تدوین و…

♦ **خانم بنی‌اعتماد! جهان فیلم‌سازی شما چه در فیلم‌های داستانی و چه در مستندسازی در عین امیدبخشی فضاهای تیره‌ای دارد اما در کارستان چنین فضاهایی دیده نمی‌شود. این به معنی تغییر رویکرد در شما است یا این تصمیم به دلیل انتخاب شما برای حرکت کردن در راستای ایده کلی کارستان است؟ به عبارت دیگر این پروژه جدا از جهان فیلم‌سازی شما است یا این دو در جایی به هم می‌رسند؟**

بنی‌ اعتماد: اخیراً در نشست نمایش فیلم «شاعران زندگی» ساخته شیرین برق‌نورد اشاره کردم اگرچه فضای فیلم‌های کارستان فضایی متفاوت از فضای فیلم‌های داستانی من است، اما زنجیره پنهانی بین این‌ها می‌بینم که کاملاً آن‌ها را به هم مرتبط می‌کند. درست است که در فضای داستانی شخصیت‌های من درگیر موقعیت دراماتیکی هستند که به قول شما فضای آن تاریک است اما در عین حال امید در آن‌ها جاری است. اساساً من امید را به گونه دیگری می‌بینم. وقتی شخصیت‌ها در همان فضای تاریک سعی می‌کنند که بجنگند و تن به شرایط موجود ندهند برای من معنای امید دارد. در کارستان شخصیت‌ها در موقعیت دیگری قرار دارند که البته با شرایط می‌جنگند اما درگیر آن آسیب‌ها نیستند. چون فضای آن‌ها متفاوت از فضای درام سینمایی‌ام است. به همین دلیل اصلاً من این‌ها را چیزهایی جدا از هم یا تغییر رویکرد نمی‌بینم. هیچ بعید نیست فیلم دیگری که بسازم باز در همان فضاها باشد. آدم‌هایی که من دغدغه پرداختن به آن‌ها را دارم ویژگی‌های مشترکی دارند و آن اشتراک همان مقاومت و ایستادن در برابر شرایط موجود است.

♦ **خانم بنی‌اعتماد شما در ایمیل خودتان اشاره کرده بودید که چرا نام من در بین مستندسازان نیامده است. آیا این موضوع به عدم اکران مستندهای شما برنمی‌گردد؟ در حال حاضر گروه هنروبتجربه امکان اکران این مستندها را دارد. چرا تابه حال در این زمینه اقدامی نکردید؟**

بنی‌اعتماد: تا پیش از چند سال اخیر امکان دیده شدن فیلم مستند فراهم نبود. فیلم‌ها در آن زمان صرفاً در جمع‌هایی حرفه‌ای و تخصصی محدود نشان داده شد و البته هیچ‌کدام از آن‌ها فیلم‌هایی نیست که در کمد مانده شده باشد. بلکه در موقعیت‌های مختلفی دیده شده است. فیلم‌سازیانی مانند من از ۲۰ سال پیش همواره دغدغه اکران فیلم مستند را داشتیم. در واقع ما حرفش را می‌زدیم اما راهکاری برای آن پیدا نکردیم. یادم است که در سال ۸۰ فیلم «روزگار ما» را با چه مشقتی توانستم در فصل سوخته اکران سینمایی یعنی دو هفته مانده به تعطیلات نوروزی در دو سینما اکران کنم. در آن زمان جریانی مانند هنروبتجربه نبود و راهکاری برای طراحی پخش مستند وجود نداشت. اما امروز حتماً می‌شود به اکران این فیلم‌ها یا در گروه هنروبتجربه یا به صورت بسته بندی دی وی دی فکر کرد و حتماً باید این کار را بکنم.

#### خبرها

### احمت کمال نویسنده ومترجم

### تورکیه‌ای درگذشت

**بخش فرهنگی** – احمت کمال از مترجمان و نویسندگان سرشناس ادبیات ترکیه در ۷۵ سالگی درگذشت.

به گزارش حریت، احمت کمال که به عنوان نویسنده، مترجم و محقق نمایش شناخته می‌شد شب پیش در بیمارستان بر اثر حمله قلبی درگذشت.

این چهره ادبی که ۵ مارس ۱۹۴۲ در ازمیر متولد شده بود در استانبول در رشته حقوق تحصیل کرد و به عنوان کردار فرهنگی در اتریش مشغول به کار شد.

او در رشته ترجمه آلمانی نیز تحصیل و با مجله‌های مختلف از ملیت گرفته تا یازکو همکاری کرد.

در سال ۱۹۸۸ کمال دکتری افتخای از دانشگاه صنعت آنادولو را دریافت کرد و سال ۲۰۱۰ نشان لیاقت طلای دولت اتریش برای تلاش‌هایش در عرصه ترجمه به وی اهدا شد. در هشتادمین سال تاسیس بنیاد زبان ترکیه نیز جایزه افتخاری این بنیاد به وی تعلق گرفت.

وی موجب معرفی آثار نویسندگان آلمانی به مردم ترکیه شد که اینگبورگ باخمن، والتر بنیامین، برتولت برشت، هرمان بروخ، الیاس کانتی، پل سلان، فردریش هولدرلاین، فرانتس کافکا، هاینریش فون کلایست و فردریش نیچه از جمله آنها هستند.

او از مشاوران و استادان استودیو تئاتر ترکیه بود و به عنوان پژوهشگر در این زمینه فعالیت داشت.

وی در کنار آثاری که ترجمه کرده بود نویسنده ۱۸ عنوان کتاب به زبان ترکی نیز بود. «نامه‌هایی به خوانندگان جوان»، «از زندگی»، «شب تنها حقیقت ما» و «بازگشت به انسانیت» از جمله این کتاب‌ها هستند.

### زمان برگزاری هفدهمین جشن

### «حافظ» مشخص شد

**بخش فرهنگی** – زمان برگزاری هفدهمین جشن سینمایی و تلویزیونی «حافظ» اعلام شد. به گزارش مهر، هفدهمین جشن سینمایی و تلویزیونی «حافظ» روز شنبه ۲۱ مردادماه ساعت ۱۹ در تهران برگزار می‌شود. فروش بلیت این جشن از دیروز چهارشنبه ۱۱ مردادماه آغاز شده است.

علی اوجی به عنوان کارگردان برگزاری جشن «حافظ»، این مراسم را برگزار می‌کند. همچنین در این جشن به رسم سال های گذشته چهره های شناخته شده سینما، تلویزیون و موسیقی ایران حضور دارند.

این جشن اولین بار بعد از گذشت ۱۶ دوره است که بدون حضور علی معلم بنیان گذار جشن «حافظ» برگزار می‌شود.

علی معلم اسفندماه ۹۵ به دلیل سکته قلبی دارفانی را وداع گفت.

### هومن حاجی‌عبداللهی:

### بایتختی‌ها هیچ‌وقت به خودشان

### مغرور نمی‌شوند

**بخش فرهنگی** – هومن حاجی عبداللهی که این روزها در مجموعه تلویزیونی «بایتخت ۵» ایفای نقش می‌کند، یکی از دلایل موفقیت مجموعه سریال‌های «بایتخت» را این ویژگی دانست که عوامل این مجموعه هیچ‌وقت به خودشان مغرور نمی‌شوند.

این بازیگر در گفت‌وگو با ایسنا مجموعه سریال‌های «بایتخت» را پُر مخاطب برشمرد و گفت: فکر می‌کنم یکی از دلایل موفقیت مجموعه‌های «بایتخت» این است که عوامل این سریال هیچ‌وقت به خودشان مغرور نمی‌شوند و وقتی قرار است فصل جدیدی را کلید بزنند، همچنان مثل همان فصل اول سخت‌گیر هستند، توقع‌شان بالاست و با وسواس بیشتری پیش می‌روند. فکر می‌کنم همین موضوع هم باعث شده که هر فصل جدید «بایتخت» پُربیننده‌تر از فصل‌های قبلی باشد و باز هم مردم بخوانند که فصل جدید آن ساخته شود.

حاجی‌عبداللهی همچنین درباره دو سال دوری از مجموعه «بایتخت» و نزدیک شدن دوباره به نقش «حجم» در این مجموعه اظهار کرد: آقدر با این نقش عجین هستم که بعد از گذشت دو سال برای ایفای دوباره آن مشکلی ندارم؛ البته برخی تکیه‌کلام‌ها برای شخصیت‌ها طراحی شده است که مردم آنها را دوست دارند و فراموش کردنی و حذف‌شدنی نیستند؛ اما قطعاً برای اینکه به تکرار نیفتم و همچنان برای مخاطبان جذاب باشم با تکیه بر فیلمنامه و مشورت با آقایان تنابنده و مقدم، ویژگی‌های جدیدی برای شخصیت طراحی می‌کنیم.

این بازیگر با اشاره به فیلمنامه مجموعه‌های «بایتخت» یادآور شد: برای ایفای نقش حتماً به فیلمنامه تکیه می‌کنم، چون بسیار جزئی به شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و موقعیت‌ها می‌پردازد. علاوه بر این پیش از اینکه جلوی دوربین برویم در جلسات دورخوانی، دیالوگ‌ها و بداهه‌گویی‌ها را بار دیگر با آقای تنابنده مشخص می‌کنیم.